

قرآن کریم

سرچشمه معارف اسلامی

قرآن و فیلسوف عراقی!

« نظر باینکه نویسنده ارجمند بخش
تفسیر نشر به در مسافرت بودند و نوشته
ایشان مورد استفاده خوانندگان
واقع نشد ، این مقاله ، در پیرامون
عظمت و جلالت قرآن کریم بجای
آن درج گردید ،

یکانه دستاویز محکم و نیروی مؤثری که در آغاز رسالت ، در اختیار
پیغمبر بزرگوار اسلام گذارده شد و مأموریت یافت بدان وسیله مردمان را دعوت
بخدا پرستی و حقیقت جوئی نماید ، همان قرآن کریم بود . که چون آیات
نورانی آن بر قلب پاک او نازل گردیده و آن حقایق عالیه و معارف الهیه بصورت
الفاظ و عبارات بر صفحه دل نازنین او نقش بست ، اولین فرمان خداوند متعال این
بود که : **اقراء باسم ربك الذي خلق ...** بخوان بااستمداد و کمک خواستن
از پروردگار خود که آفریدگار است ...»

روی این وظیفه پیغمبر اکرم تلاوت قرآن نموده و باصوت داپذیر و آهنگ
موزون خود آن کلمات حکیمانه و آیات آسمانی را بگوش مردمان رسانده و
دلهای آنها را بخود متوجه ساخته و روح تازه ای از علم و معرفت و نورانیت
و حکمت در کالبدهای خسته و افسرده و دلهای پژمرده و از دست رفته آنان میدمید ،
کم کم غبارها و تیرگیهای نادانی و بیخبری از دلها زدوده شده و بتدریج زنگهای
گمراهی و بیخردی از جانها برداشته میشد .

قرآن کریم مانند عصای موسی کلیم (ع) که سحر ساحران را باطل ساخت
اوهام و خرافات و ساخته ها و پرداخته های دست و فکر بشر را از میان برداشته و

بواسطه این دم عیسوی بلکه نفخه الهی بود که عقول مردمان بیدار شده و تحول فکری در آنها پدید آمد ، و از خود پرستی متوجه بخدا پرستی شده و از مادیت رو بمعنویت آوردند و روزنه های ایمان بغیب بروی ایشان گشوده شد .

آری عمده این هنرها از قرآن کریم و بیشتر این اثرها از این کتاب حکیم بود که شنیدن کلمات و آیات دلپذیر و جانبخش آن در دل و جان مردمان اثر گذاشته و بی اختیار آنها را بطرف حقیقت و غیب اینجهان میکشاند .

دستورات حکیمانه و فرامین الهیه اش که عهده دار سعادت دنیا و آخرت بشر بود مورد قبول و پذیرش مردمان پاک سرشت و نیک نهاد واقع شده و چون چشمه آب شیرین و گوارا مردمان را جمع آوری نموده توده های انسانها پروانه وار گرد شمع فروزان آن گرد آمدند . در راه تبلیغ و پبشرفت آن فداکارها نموده و برای نگهداری و گسترش تعلیمات آن از خود گذشتگیها نشان میدادند .

دست آویزهای پوشالین

مشاهده این تحول و این جنبش بود که دشمنان و مخالفین را تحریک نموده و با همه نیرومندی و پایداری که در قرآن و آورنده و پیروان آن می دیدند ، باز بانواع و اقسام دست آویزهای پوشالین چنگ زده و میخواستند این نور الهی و چراغ آسمانی را با پف خاموش کنند .

گاه با بافتن کلمات مستهجن و الفاظی نامربوط در مقام معارضه با قرآن برآمده و بدینوسیله بیشتر آبروی خود را میریختند ، و گاه در صف مبارزه قرار گرفته و خیال نابودی و از میان بردن پیغمبر اسلام و خواهش کردن آن نور الهی را در سر میپروراندند و پس از تحمل رنجها و خسارتها ؛ خجالت زده و مغلوب و منکوب مراجعت نموده و بجای خود می نشستند .

مردان الهی !

آری با همه این استحکام و نیرومندی که در قرآن کریم وجود داشته که جن و انس از آوردن مثل آن بلکه از آوردن سوره ای مانند آن عاجز و ناتوان بودند باز برای دفاع از حریم و پاسخ از معارضات و بیان حقایق و حل مشکلات

آن مردانی الهی و دانشمندی کامل لازم بوده که در هر جا و هر مقام با هر وسیله و هر نیرو و آنرا نگهداری نموده و جلو دستبرد مخالفین و راهزنان راه حقیقت را گرفته و دفع شبهات اهل شبهه را بنمایند .

بینمبر اکرم فرموده : « در هر عصر و قرنی ، مردانی معتدل و کامل بار نگهداری این دین حق را بدوش میکشند که تأویلهای ناروا و ناپسندیده اهل ابطال و تغییر و تبدیل اهل غلو و افراط ، و دین سازی نادانان و نابخردان را از آن بر طرف میسازند (وساحت قدس دین و مقدسات آن چون قرآن و احکام و آداب و دستورات دینی را از آلودگیهای این و آن نگهداری مینمایند) همانگونه که کوره حدادی زنگ را از آهن دور میکند .

روی همین اصل بوده که بینمبر اکرم (ص) علاوه بر این سرمایه گرانبها و مخزن اسرار و معدن انوار الهی (قرآن کریم) مردانی دانا و خردمند و مذهب و معصوم ، از اهل بیت خود را عدل و قرین قرآن قرار داده و آنرا مأوریت داد که این کتاب مقدس آسمانی را محافظت نموده و حقایق عالیها را بیان نموده و پرده از روی مشکلات و مشتهات آن بردارند ، و هم مردمان را فرمود که از آن دوبا هم پیروی نموده و آنها را از هم جدا ننموده و این دورشته محکم را از دست ندهند .

مکرر فرمود : من در میان شما دوسرمايه گرانبها و ارزشمند را بیادگار میگذارم که آن دو از هم جدا نمیشوند و باید شما هم برای تأمین سعادت دوجاهانی خود بان دو با هم چنگ زبند و آن دو : کتاب خدا (قرآن) و عترت و خاندان من (علی و یازده فرزند او علیهم السلام) میباشد .

و هر یک از آنها بنوبه خود ، با تمام قوا و نیروها این مأوریت را انجام داده و با مخالفین احتجاجها نموده و شبهات اشتباه کاران و شبهه سازان را باطل ساخته ، حقایق عالیها را برای شاگردان مکتب خود و خواستاران معارف الهیه بیان فرموده و اسرار و حقایق آنرا تشریح نمودند .

فضایای بسیاری در تاریخ زندگی ائمه معصومین و پیشوایان مذهب و دین نمودار و جلوه گر است که باین امر گواهی میدهد و اینک ما یکی از آن داستاها را در اینجا نقل نموده و میگذاریم :



یکدسته از مخالفین جدی و سرسخت علوم نقلی و احکام تبعیدی شرایع آسمانی در هر زمان، فلاسفه خصوصاً ملاحظه آنان بودند که در برابر پیغمبران خدا قیام نموده و بگمان خود بطریق استدلال و برهان در مقام نقض احکام و القاء شبهه نسبت به عقاید اهل ایمان برآمده و مخصوصاً درباره عقاید راجعه بعوالم پس از مړك و احکام تبعیدی دینی تشکیکها نموده و شبهاتی القاء کرده اند .

داستان فیلسوف عراق !

یکی از فلاسفه قرن سوم هجری که در عراق میزیسته و معاصر با عسکر بنین عالمیها السلام بوده است مردی بنام اسحق کندی میباشد که در مقام تألیف کتابی بگمان خود در تناقضات قرآن کریم برآمده و در این امر نهایت جدیت را نموده و برای انجام این مهم! خود را کاملاً مشغول داشته و از مردم کناره گرفته بود .

یکی از شاگردان او بخدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام راه یافت حضرت باو فرمودند : آیا در میان شما یکمرد رشید و دانا و کامل نیست که برگرداند استاد شما کندی را از این شغلی که پیش گرفته و امری که خود را بدان مشغول ساخته است ؟

آن شاگرد گفت : چگونه مامیتوانیم باو خرده بگیریم در این امر یا غیر آن ، و ما را نمیرسد که نسبت باو اعتراضی بنمائیم .

امام علیه السلام فرمود : آیا اگر دستوری درباره او بتو دهم اجرا مینمائی ؟

گفت آری !

فرمود : برو نزد او و با او انس بگیر و مدارا کن در کمک دادن باو و انس گرفتن با او . پس از آن که با او انس گرفته و باو نزدیک شدی ، باو بگو : مرا مسئله ای است اگر اجازه دهی از تو بپرسم .

باو بگو اگر گوینده و سراینده قرآن کریم بیاید نزد تو و بگوید که آیا میشود که خداوند اراده فرموده باشد از این کلام که بنظر تو متناقض است غیر این معنی را که تو پنداشته ای ؟

اودر جواب تومیکوید : آری جایز است زیرا که اوهردی است که می -
فهمد و درك میکند چیزی را که شنید .

پس باو بگو شاید خداوند اراده نموده باشد از این آیات قرآنیه غیر آنچه را
که تو گمان کرده ای ، پس تو آن الفاظ را بر خلاف معانی و حقایق آن حمل نموده و
بنار و نسبت تناقض بآن داده ای !

پس از آن شاگرد رفت نزد استاد خود اسحق گندی و با او مهربانی و
مدارای بیشتری نموده و کاملاً باو نزدیک شد سپس آن مسئله را همانطور که امام
علیه السلام باو تعلیم نموده بود باو اظهار داشت .

استاد گفت : اعاده کن و باز بگو این مطلب را بر من .
آن مرد بار دیگر مطلب را بهمانگونه که دستور امام علیه السلام بود تکرار
کرد .

استاد فکری نموده و دریافت که بر حسب لغت و قواعد محاوره و سخن گفتن ،
ممکن است که معانی دیگری (خلاف آنچه ظاهر است) برای این الفاظ بوده
باشد و قابلیت اراده معانی دیگری را دارا میباشند .

بشاگرد گفت : سوگند میدهم تو را که بمن بگوئی چه کسی این مسئله را
بتو تعلیم نمود ؟

گفت : بدلم افتاده و خودم درك کردم .

گفت : چنین نیست که تو میگوئی و این مطلبی نیست که از مثل تو کسی
اظهار شود و توهنوز باین مرتبه از کمال نرسیده ای که درك چنین مطلبی را کنی
با صراحت استاد ، اظهار داشت که حضرت امام حسن عسکری آنرا بمن تعلیم
نموده و چنین دستور داده است .

فیلسوف گفت : اینك راست و درست گفتی ، زیرا اینگونه مطالب محکم
و استدلال دندان شکن جز از این خاندان صادر نشود .

پس دستور داد آتش افروخته و آنچه را در باب تناقض خیالی قرآن تألیف
کرده بود همه را سوزانند .
(انوار البهیة - ج ۲)

* * *

چون و چراى بیجا

آرى این گمان پوچ و پندار خام در همه اعصار و زمانها در بعضی

از مغزهای سبک جایگزین شده و چنین افکاری کودکان نسبت به قرآن کریم و دستورات و احکام دین مقدس اسلام از گوشه و کنار اظهار شده و پاره‌ای از مردم بی تجربه و بی‌خرد در مقام خرده گیری به قرآن کریم و احکام دین مبین برآمده و یا خواستار درک فلسفه و اسرار کامل دستورات و مقررات اسلامی شده‌اند . و چون گاهی فکر کوتاه و نارسای آنان بجائی نرسیده و چیزی که برای آنها قانع کننده باشد بدست نیاورده‌اند ، از اسلام بی‌زاری جسته و یاد در مقام جسارت و بی ادبی برآمده‌اند .

با اینکه آنها هم اگر مانند این فیلسوف عراقی عاقل و منصف بوده و درست تعقل و تفکر مینمودند تصدیق میکردند که بسیاری از الفاظ قرآن کریم است که احتمال معانی متعدد در آن میرود و ممکن است با اراده بعضی از آن معانی تناقضی در آن راه نداشته باشد .

و یا آنانکه پاره‌ای از دستورات اسلام و ظواهر قرآن را بگمان خود با اصول علمی جدید موافق ندیده و ناسازگار می‌پندارند ، باید در نظر بگیرند که بسیاری از اصول علمی بوده که سالها مورد اعتماد بشر بوده و سپس با پیشرفت دانش خلاف آن ثابت شده و اصول دیگری جای نشین آنها شده است . و پس از آنکه عظمت مقام و جلالت قدر و بلندی پایه و ارجمندی حقایق قرآن کریم مورد اعتراف دوست و دشمن بوده و بسیاری از فلاسفه غرب در پیشگاه مقدس آن اعتراف با استحکام و منانیت و علو و رفعت نموده‌اند ، جای این نیست که اگر بعضی از جمله‌های آن را درک نکرده و به پاره‌ای از حقایق آن راه نیافتند ، فوراً در مقام انکار و جسارت برآمده و یا برای پاره‌ای از مطالب مشتبه دست از محکمت و حقایق آن بردارند . قرآن کریم فرماید : ... بعضی از آیات قرآن ، محکم و روشن و مقبول عقول است و پاره‌ای از آنها مضطرب و مورد شبهه و تردید نفوس میباشد ، پس آنانکه در دل‌های ایشان انحراف و تمایل به باطل و هدفهای نارو می‌باشد دنبال آیات متشابهه را گرفته و در آن چون و چرا میکنند ، و اما آنانکه دل‌های ایشان بنور ایمان روشن است ، و حقایق قرآن را دریافته‌اند ، همه را از جانب خداوند دانسته و سر تعظیم در برابر آن فرود می‌آورند .

(ترجمه آزاد از آیات ۶-۷ سوره آل عمران)